

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کشم و جُرون‌نامه

جواد موسوی دالینی*

چکیده

هجوم استعمارگران پرتغالی به ایران و چیرگی آنان بر بخشی از این سرزمین، سبب شد تا برخی از ساکنان این مرز و بوم با هر گونه سلاحی، اعم از نظامی و فرهنگی به مبارزه با این بیدادگران برخیزند که از جمله آنان، سرایندگان منظومه‌های حماسی جنگنامه «کشم» (۱۰۳۲ هجری) و «جُرون‌نامه» منسوب به قدری (۱۰۴۲ هجری) بودند، که شعر آنان بستر مناسبی جهت انعکاس جلوه‌های ارزشمند پایداری در برابر دشمن است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این مسأله است که دو منظومه جنگنامه «کشم» و «جُرون‌نامه» چه مضامین و جلوه‌هایی از ادبیات پایداری در بر دارند؟ یافته پژوهش حاکی از این است که مهم‌ترین جلوه‌ها و بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در اشعار سرایندگان جنگنامه «کشم» و «جُرون‌نامه» عبارتند از: وطن‌دوستی، شناساندن چهره استعمارگران، نفرت از بیگانگان، غیرت-دینی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی، مرثیه بر شهدای راه میهن، تفاخر به شاهان و اسطوره‌های آرمانی ایران، اتحاد و همبستگی. سرایندگان جنگنامه «کشم» و «جُرون‌نامه» برای بیان مضامین، از دو نوع بیان مستقیم و بیان غیرمستقیم بهره بردند. در ضمن آنان برای عامه فهم‌شدن اشعار، از زبان عامیانه‌ای استفاده کرده‌اند که در برخی ابیات لحن و فضای حاکم بر اشعار ذکرشده آمیخته از حماسه، طنز، هجو و اعتراض نسبت به استعمارگران پرتغالی است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات پایداری، پرتغالی‌ها، فتح هرموز، جنگنامه کشم، جُرون‌نامه.

مقدمه

در حال حاضر که بسیاری از کشورهای جهان امروز، آماج تهاجم کشورهای قدرتمند هستند و ملت‌های آن‌ها با فداکاری در مقابل متجاوزان ایستاده و کشته می‌شوند؛ از این رو شاعران و نویسندگان و ادیبان آن‌ها در همین زمینه به نگارش رویدادهای تلخ و شیرین این وقایع می‌پردازند. بنابراین، شناخت قداست پایداری کشورهای مورد تجاوز در مقابل متجاوزین، انگیزه‌ای خواهد بود تا ضمن این که مردم این کشورها به پایداری و ایستادگی در مقابل متجاوز، اعم از خارجی و داخلی فداکارانه ادامه دهند؛ مردم کشورهای دیگر نیز به تأسی از آن‌ها ترغیب شوند و زمینه را برای رفع هر نوع ظلم و ستمی از جوامع مظلوم فراهم کنند.

این جستار در پی دستیابی به شناخت بهتر و بیشتر مضامین ادبیات پایداری منظومه‌های جنگنامه «کشم» و «جرون‌نامه» را بررسی کرده تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مهم‌ترین جلوه‌های ملی و دینی در منظومه‌های جنگنامه کشم و جرون‌نامه کدامند؟
۲. سرایندگان دو منظومه یاد شده برای اشاره به دشمن، چه سمبل‌ها و استعاراتی به کار می‌گیرند؟
۳. سراینده منظومه جرون‌نامه، اتحاد و همبستگی میهنی و حضور اقوام مختلف ایرانی در جنگ با پرتغالی‌ها را چگونه ترسیم می‌کند؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت سوق‌الجیشی منطقه خلیج فارس و وقایع مهم تاریخی که در طول تاریخ در آن منطقه رخ داده، آثاری که در قرون گذشته درباره این شهرها و در زمان بروز این وقایع به رشته تحریر درآمده‌اند، به لحاظ بررسی و تحلیل مسایل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت فراوانی است؛ جنگ‌نامه «کشم» و «جرون‌نامه» نیز از جمله این آثارند که برای شناخت بیشتر رخداد‌های مهم تاریخی عصر شاه عباس بویژه فتح کشم، جزئیات حمله نیروهای ایرانی به بخش‌های خلیج فارس در ساحل عمان، شناخت اقدامات و مجاهدت‌های امام قلی‌خان و دیگر افراد برجسته سپاه ایران در فتح لار، بحرین و هرموز حائز اهمیت هستند و اطلاعات سودمندی به دست می‌دهند؛ زیرا سرایندگان جنگنامه کشم و جرون‌نامه خود بسیاری از وقایع را از نزدیک به چشم دیده یا از افراد

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۵۱

موتقی که در محل وقوع حادثه حضور داشته‌اند، مطالبی شنیده و اثر خود را به رشته نگارش درآورده‌اند. از سوی دیگر این دسته از منابع، حاوی اطلاعات جدیدی برای پژوهشگران امروزی است و بسیاری از نکات مبهم تاریخی را روشن خواهد کرد. در ضمن از آنجا که جلوه‌های پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه بررسی و تحلیل نشده است، نقد و شناسایی این جلوه‌ها، اطلاعاتی ارزشمند از نحوه رویارویی ایرانیان، رشادت‌ها و شناساندن چهره استعمارگران را می‌توان در آن ملاحظه نمود. براین اساس انجام این تحقیق ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

چگونگی اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس در روزگار شاه‌عباس‌اول، از فصول مهم حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس است که هر چند برخی منابع با اشاره‌ای گذرا به آن پرداخته‌اند؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- آرنولد ویلسون در اثر خلیج فارس: ۱۳۶۶؛ ۲- قائم مقامی در اسناد عربی، فارسی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال: ۱۳۶۹؛ ۳- وثوقی در کتاب تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار: ۱۳۸۴؛ ۴) وثوقی در مقاله‌ای با عنوان «روایتی نو و منتشر نشده از فتح هرموز در دوره شاه‌عباس اول» براساس نسخه خطی افضل التواریخ نوشته خوزانی: ۱۳۸۷؛ ۵- کامرانی‌فر در مقاله «آزاد سازی قشم» ۱۳۹۰؛ اما همچنان جزئیات رویارویی ایرانیان و پرتغالی‌ها در منابع تاریخی فارسی خالی مانده است. علاوه بر این، پژوهش مستقلی در پیوند با مضامین و جلوه‌های ادبیات پایداری منظومه‌های یادشده به چشم نمی‌خورد؛ از این‌رو، جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه از حوادثی سخن به میان آورده‌اند که در پیوند مستقیم با چگونگی اخراج پرتغالی‌ها از قشم و هرمز است و در منابع تاریخی روزگار صفویه، بدان‌ها اشاره‌ای در خور نشده است. مرحوم عباس اقبال در باب اهمیت هر دو منظومه «جنگنامه کِشم» و «جُرون‌نامه» معترف است: «چون تاریخ فتح قشم و هرموز در هیچ یک از کتب فارسی به تفصیل ضبط نگشته و در کتب فرنگی هم جزئیات وقایع از نظر ایرانیان به دست داده نشده، این دو منظومه در نهایت اهمیت است» (اقبال، ۱۳۲۳).

مبانی نظری پژوهش

ادبیات پایداری به مجموعه آثار ادبی و ملتزمی گفته می‌شود که به منظور ایجاد انگیزه در جامعه، برای حفظ هویت در برابر عوامل تهدید کننده آن پدید آمده باشد (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۰). برخی اندیشمندان دامنه ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان

در قالب نظم و نثر دانسته‌اند (سنگری، ۱۳۸۰: ۴۰). ادبیات پایداری هدفمند است و هدف اصلی آن، ایجاد انگیزه و تحرک در جامعه برای مبارزه با استبداد داخلی و یا تجاوز بیرونی با آگاه نمودن مردم است. لازم به توضیح است اغلب آثاری که پیش از رویداد فاجعه و در زمان جنگ پدید می‌آیند، صبغه کاربردی و آن‌هایی که با گذشت زمان و پس از جنگ خلق می‌شوند، هر چند جنبه توصیفی دارند؛ اما پتانسیل نهفته‌ای دارند که در بحران‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این موضوع از کارکردهای عمده ادبیات پایداری است (غالی شکری، ۱۳۶۶: ۱۰).

ادبیات پایداری معمولاً در جوامع هوشیار و حساس به وجود می‌آید، جامعه‌ای که کسب و حفظ استقلال در نظر آن ارزش به شمار آید. ویژگی دیگر این جامعه، استفاده از هنر و زبان ادبی برای القای پایداری و آفرینش هنر و ادبیات پایداری است. پیشینه درازمدت پایداری در ایران نشان می‌دهد که این ویژگی در روح مردم ایران نهفته است و هرگاه وقت آن فرا رسد به گونه‌ای به مقتضای زمان در قالب‌ها، شکل‌ها و انواع ادبی مناسب آن دوران می‌شکفتد و می‌بالد. غالی شکری درباره ادبیات مقاومت تعریفی ارائه داده و می‌نویسد: «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید». (همان، ۱۰). ادبیات مقاومت، معمولاً به توصیف دلاوری‌ها و جدال‌ها و از خودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملت‌ی یا قومی بر ضد ملت‌ی یا قومی که اغلب اشغالگر یا متجاوز است از خود نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶). اشاره به این امر مهم که ادبیات مقاومت علاوه بر ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم، پس از جنگ‌ها نیز به انتقال ارزش‌ها و مفاهیم ملی و وطنی و ملی مذهبی به نسل‌های آینده می‌پردازد، عده‌ای از ادبیات مقاومت به ادبیات جنگ نیز تعبیر کنند. شریفی در فرهنگ و ادبیات فارسی، ذیل مدخل «جنگ» آورده است: «ادبیات جنگ، نوشته‌ها و آثاری است که به نوعی به جنگ و مسایل مرتبط با آن می‌پردازد. جنگ‌نامه‌ها، ظفرنامه‌ها، جهادی‌ها و فتح‌نامه‌ها را می‌توان از این زمره دانست (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

گفتنی است «فتح‌نامه» نوعی شعر در قالب قصیده و مثنوی است که به مناسبت پیروزی در جنگ‌ها و خیزش‌های مردمی سروده می‌شود. فتح‌نامه از نظر موضوع از شعرهای حماسی شمرده می‌شود و اغلب بر واقعیت و رویدادی تاریخی استوار است و اگر شاعر در آن به تخیل بپردازد، اما اصل واقعه دستخوش تغییر نمی‌شود. معمولاً هدف

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۵۳

از نگارش چنین نوشته‌هایی، ایجاد هیاهوی تبلیغاتی، قدرت‌نمایی در برابر دشمن و تهدید آنان، مسرت بخشیدن به سلاطین وقت بود. محتوای کلی فتح‌نامه‌ها عبارتند از: تحمید و تمجید خداوند، صلوات بر رسول خدا و اصحاب وی، بیان برخی آیات در خصوص فضیلت جهاد و دفاع در اسلام، بیان وظایف سلاطین در کاهش ظلم و ستم و دفع اشرار، عزیمت سلطان و آماده کردن سپاهیان، شرح میدان نبرد اعم از انبوه سربازان، موقعیت دشمن، جلوه دادن تعداد دشمن و مقاومت آنان، بیان جسارت خصم و سرسختی و قدرت دشمن، ذکر آلات جنگی، بیان اسامی فرماندهان دو طرف، ذکر دلایل و کیفیت پیروزی سپاه، ذکر غنایم جنگی و بیان مقتولان، اسرا و فراری‌ها، ذکر افراد و طبقات و گروه‌هایی که مخاطبان مورد نظر فتح‌نامه است، بیان نوع برخورد با مردم پس از حصول پیروزی، سفارش بر اعلان پیروزی در بر و بحر، اظهار شادی و دعا، در پایان صلوات بر رسول خدا و حمد و سپاس الهی از ارکان فتح‌نامه‌ها است^۱ (قربان نژاد، ۱۳۷۱: ۲۰۵)، شریفی نیز منظومه جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه را (صفا، ۱۳۷۹: ۳۶۶-۳۶۹)، نمونه قدیم این نوع ادبیات در زبان فارسی ذکر می‌کند (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

توصیف جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه

دو اثر جنگنامه و جُرون‌نامه حماسه‌هایی منظوم هستند که در سال‌های ۱۰۳۲ تا ۱۰۴۲ هجری قمری سروده شده‌اند. این آثار به «تقی‌الدین قدری شیرازی» نسبت داده شده است. چنین انتسابی نخست توسط «لوئیجی بونلی» در سال ۱۸۹۰ میلادی صورت گرفت و دیگران نیز به پیروی از او همین نظر را داده‌اند (جنگنامه...، ۱۳۸۴: پانزده). حقیقت امر آن است که جنگنامه کِشم، سروده شاعری ناشناس است و منظومه جُرون‌نامه به وسیله شاعری به نام «قدری» که غیر از «قدری شیرازی»، شاعر شناخته شده در تذکره-های آن روزگار است، سروده شده است؛ (همان، هفده)؛ اما صرف تشابه اسمی و نیز نزدیک بودن روزگار سرایش این منظومه‌ها با «قدری شیرازی»، موجب شده تا این آثار به این شاعر شیرازی که مشهورتر بوده، منسوب داده شود (ن.ک: همان، پانزده) جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه برای شناخت بیشتر رخداد‌های مهم تاریخی عصر شاه‌عباس اوّل صفوی به‌ویژه فتح کِشم، جزئیات حمله نیروهای ایرانی به بخش‌های خلیج فارس، شناخت

^۱. فتح‌نامه الموت نوشته عظاملک جوینی در دوره هجوم هلاکوخان و فتح‌نامه قلعه قندهار تألیف محمد طاهر وحید قزوینی در عصر شاه‌عباس دوم صفوی نمونه‌هایی از این فتح‌نامه‌ها است.

اقدامات و مجاهدت‌های امام‌قلی‌خان و دیگر افراد برجسته سپاه ایران در فتح لار، بحرین و هرموز حائز اهمیت هستند و اطلاعات سودمندی به دست می‌دهند.

۱. جنگنامه کِشم

روایتی که جنگنامه کِشم از فتح جزیره قشم توسط سپاهیان ایران به دست داده، دقیقاً منطبق با اطلاعاتی است که از طریق مورخان پرتغالی و سفرنامه‌های آن دوره در دست داریم. دقیق‌ترین جزئیات این نبرد دریایی در سفرنامه فیگوئروا، سفرنامه پیترو دل‌واله و آسیای پرتغال اثر فاریا سوسا آمده است که انطباق کامل با محتوای جنگنامه کِشم دارد (Sousa, 1695: 362-385). در جنگنامه کِشم با دقت، جزئیات این رویدادها ذکر شده و اسامی بسیاری از فرماندهان ایرانی و عرب آمده است که در دیگر منابع به چشم نمی‌خورد. همین امر نشان می‌دهد که سراینده جنگنامه کِشم به خوبی با وضعیت جغرافیایی و سیر حوادث این دوره آشنا و به احتمال بسیار قوی از اهالی بومی منطقه بوده است. منظومه جنگنامه کِشم به بحر متقارب سروده شده و مشتمل بر ۲۶۳ بیت در ۳۶ برگ در قطع رقعی است و به شیوه دفتر بیاض فراهم آمده است. در صفحه پایانی و به عنوان خاتمه آمده است: «تمام شد جنگنامه کِشم فی تاریخ یوم واحد نهم شهر مُحَرَّم الحَرَام سنه ۱۰۳۲» که منظور سال ۱۰۳۲ هجری قمری یعنی مقارن با جنگ‌های مربوط به باز پس‌گیری قشم و هرموز است. در متن نیز شروع جنگ‌ها را سال آلف (و) ثلاثین (۱۰۳۰) ذکر می‌کند (همان، شانزده).

نسخه موجود جنگنامه متعلق به کتابخانه واتیکان است و در صفحه اول و آخر نسخه، مهر آن کتابخانه دیده می‌شود با این عبارت (APOSTOLICA VATICANA BIBLOTHECA). همچنین در برگ اول به خط لاتین نسخه جنگنامه کِشم و تاریخ ۱۶۳۲م قید شده است که برابر است با ۱۰۴۱ق بدین ترتیب این نسخه ده سال پس از سرایش منظومه به کتابخانه واتیکان رسیده است. از آنجا که تاکنون هیچ نسخه دیگری از آن دیده یا گزارش نشده است؛ لذا به نظر می‌رسد نسخه تاکنون منحصر بفرد بوده است. جنگنامه کِشم را دون گارسیا دوسیلوا فیگوئرا (۱۶۲۸م) از ایران به اروپا برده است (همانجا).

^۱ دون گارسیا دوسیلوا فیگوئرا به عنوان سفیر فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا برای مذاکره درباره هرموز و مسائل تجاری به دربار شاه عباس اول آمد. فیگوئرا در سال ۱۶۱۴م به هند رفت و پس از آنکه پرتغالی‌ها

۲. منظومه جُرون‌نامه

چنانکه ذکر گردید عنوان این نسخه خطی به نام جُرون‌نامه ثبت گشته و معلوم نیست این نام نخستین‌بار توسط چه کسی بر این منظومه اطلاق شده است. «قدری» در صفحات متعددی از جُرون‌نامه خود را معرفی می‌کند که نام وی را از همین طریق می‌دانیم: چو «قدری» به جویایی فکر بکر فرو برده سر در گریبان فکر سراینده منظومه ذکر شده در موردی اثر خود را معرفی کرده و آن را داستان جُرون می‌خواند:

دلم شاد از این است کاندر جهان نگفته کسی مثل این داستان
تو این داستان جُرون را تمام به نظم آور از لطف شاه و امام
(همان، بیست و یک)

آسیب استعمارگران پرتغالی بر پیکر سیاسی و اقتصادی ایران در خلیج فارس با اشغال هرموز

پرتغالی‌ها در اواخر قرن پانزدهم میلادی/ نهم هجری به عنوان یک قدرت جهانی و فرمانطقه‌ای، با پیروی از رویکردهای جدید مذهبی و استقرار نظام حقوقی دریاها به موجب فرمان پاپ، در پی تحقق اهداف سیاسی، به‌ویژه اهداف تجاری وارد خلیج فارس شدند. آلبوکرک، دریاسالار پرتغالی برای تسلط یافتن بر تجارت در غرب اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس به مراکز تجاری این مناطق و به ویژه مسقط و سپس هرموز حمله کرد (Lorimer, 1915: 2). این مناطق در آن زمان، کانون‌های اصلی بازرگانی دریایی آن حوزه‌ها محسوب می‌شدند. پرتغالی‌ها، به دلیل برتری نیروی توپخانه خود توانستند در یک دوره زمانی کوتاه، بنادر و سواحل را تصرف کنند و ضربه بزرگی بر پیکر سیاسی

حدود دو سال او را مجبور به توقف در آن دیار کردند، در مارس سال ۱۶۱۷م به سوی ایران حرکت کرد و در ۱۲ اکتبر همان سال به هرموز رسید. وی پس از عبور از لار و شیراز در ۱۸ آوریل ۱۶۱۸م وارد اصفهان شد. سپس در ۱۸مه همان سال برای ملاقات با شاه عباس به قزوین رفت. فیگوترا در آنجا به ملاقات شاه عباس رفت؛ اما توفیقی در انجام مأموریت خود نیافت. لذا از همان مسیری که آمده بود به هندوستان بازگشت. پایان اقامت او در ایران سپتامبر ۱۶۱۶م بوده است. احتمالاً در همین زمان نسخه جنگنامه کشم را به دست آورده و با خود به اروپا برده است که تا سال ۱۶۳۲م به موزه واتیکان می‌رسد.

و اقتصادی منطقه، به ویژه منافع ایران در خلیج فارس وارد آورند. درک صحیح از اهمیت اقتصادی خلیج فارس توسط پرتغالی‌ها سبب شد، فرمانده نیروهای دریایی پرتغال به عنوان فاتح هرموز اذعان کند، اقیانوس هند و خلیج فارس انگشتی است که نگین آن هرموز می‌باشد (teixiera, 1901: 267)؛ از این رو، آنان برای توسعه امپراتوری دریایی خود در مسیر خلیج فارس و اقیانوس هند برای بیش از یک قرن (از سال ۹۱۳ تا ۱۰۳۰ ق)، جزیره هرموز را در اشغال خود گرفتند.

احیای قدرت و تجارت دریایی ایران در خلیج فارس (۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م/۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق)

اقتصاد تجاری ایران در بنادر سواحل شمالی خلیج فارس با شکل‌گیری سلسله صفویه و تشکیل دولتی که وحدت سیاسی ایران را مجدداً تحقق بخشید، به شکل تازه‌ای مطرح گردید. شاه اسماعیل و شاه طهماسب اگرچه چندان مجالی برای پرداختن به امور تجاری خلیج فارس نداشتند؛ اما با تثبیت حکومت صفویه، امور اقتصادی و به خصوص تجارت با اروپاییان بیشتر مورد توجه قرار گرفت و بنادر خلیج فارس با حضور تجار اروپایی اهمیت بیشتری یافت. رویکرد شاه عباس اول (۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م/۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق)، که درصدد احیای تجارت دریایی ایران بود، موجب شکل‌گیری دوره و طرح جدیدی از حضور مؤثر ایران در خلیج فارس و تجارت دریایی آن شد. نخستین مرحله این طرح، تسلط دوباره صفویان بر ایالات فارس بود که در سال ۱۵۹۵ م/۱۰۰۳ ق، با براندازی خاندان ذوالقدر از والیگری فارس توسط الله‌وردی‌خان انجام یافت. حکام لارستان که در این دوره بر سواحل خلیج فارس حکومت می‌کردند، مانع عمده دیگری در برابر گسترش اقتدار شاه‌عباس در کرانه‌ها محسوب می‌شدند که آن نیز با توانمندی حاکم فارس، الله‌وردی‌خان به تصرف شاه صفوی درآمد (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۴۳۹).

به یک حمله از خنجر آبدار گرفتار تمامی اقلیم لار

مرحله بعدی، همانا فتح بحرین و همزمان با آن بازپس‌گیری قلعه پرتغالی‌ها در گمبرون بود، که به انجام رسید. بدین ترتیب نواحی مجاور جزایر قشم و هرموز در قطعه اصلی خاک ایران در اختیار نیروهای صفوی قرار گرفت.

دگر مُلک بحرین و اعرابیان که بحرین چو زر بود و دریا چه کان

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۵۷

به گلبانگ مردی گرفت و سپرد ز دشمن کس از تیغ آن جان نبرد

(جنگنامه...، ۱۳۸۴: ۴۰)

مرگ الله‌وردی‌خان در سال ۱۶۱۱م / ۱۰۲۰ق، خللی در پیشبرد سیاست‌های شاه-عباس اول ایجاد نکرد و فرزندش، امام‌قلی‌خان که به والیگری فارس و بنادر منصوب شده بود، اقدامات پدر را به خوبی پی گرفت. علاوه بر این موقعیت منطقه‌ای به هیچ روی به نفع پرتغالی‌ها نبود. شاه‌عباس اول به درستی از موقعیت پیش آمده بهره برد و عملیات گسترده نظامی را در دریا و خشکی علیه پرتغالی‌ها در جزیره هرموز طراحی کرد. امام-قلی‌خان، مجری این سیاست، نیز به شکلی مطلوب آن را به اجرا گذاشت (همان، ۲۰۲-۲۰۳). بدین ترتیب طرح تجدید حاکمیت ایران بر خلیج فارس در سال ۱۶۲۲م / ۱۰۳۱ق، با فتح کامل جزیره هرموز با کمک ناوگان کمپانی هند شرقی انگلیسی و اخراج پرتغالی‌ها به انجام رسید (قائم مقامی، بی‌تا: ۱۷۱-۱۹۰؛ فلسفی، ۱۳۴۲: ۱۴۶-۱۵۴).

جلوه‌های ادبیات پایداری در منظومه‌های جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه

۱. نبرد بین «مردان دین» و «کافران»

جان‌مایه شعر مقاومت، مبارزه با جنبه‌های گوناگون بیدادگری است. وجوه قداست دفاع در ریشه جهادی آن نهفته است؛ به بیانی دیگر ادبیات دفاع، ریشه در باورهای مقدس آسمانی دارد. از نظر شرع مقدس اسلام، جهاد، مبارزه و پیکار با متجاوزان زورگو، مشرکان و کسانی است که به مرزها و حدود جغرافیایی یک کشور، جان، مال، ناموس و دین مسلمانان تجاوز کنند.

از اهداف آلبوکرک در منطقه اقیانوس‌هند، دریای عرب و خلیج فارس، تصرف عدن برای سلطه بر باب‌المنندب و هرموز برای تسلط بر تنگه هرموز در خلیج فارس بود تا از این مسیر بتواند نفوذ و تجارت مسلمانان را در منطقه از بین ببرد. در ضمن در فرمان پاپ به شاه پرتغال چنین آمده بود: «ما به موجب دستخط‌های خود به آلفونس، پادشاه پرتغال حق کامل اعطا کرده‌ایم که تمام ممالکی را که در حیطة تصرف دشمنان مسیح یا کفار می‌باشد، اشغال، مفتوح و فرمانبردار سازد» (پانیکار، ۱۳۴۹: ۲۲)؛ بنابراین از دیگر اهداف دریاسالار پرتغالی نابودی مسلمانان و مکان‌های مقدس آن‌ها و گروگان‌گیری مقابر مسلمانان برای اعمال فشار بر آن‌ها بود. پرتغالی‌ها درب مساجد را

بستند و به مردم نیز اجازه تاسیس مسجد جدید را ندادند؛ علاوه بر این تلاش داشتند مذهب مسیحیت را بر ساکنان هرموز تحمیل کنند هرچند که در این زمینه توفیقی به دست نیاوردند.

با توجه به اهداف آلبوکرک می‌توان دریافت که برای ورود به خلیج فارس عوامل مذهبی در کنار عوامل اقتصادی قرار داشت. از همین رو سراینده جنگنامه کشم از نبردهای بین ایرانیان و پرتغالی‌ها با عنوان نبرد بین «مردان دین» و «کافران» ذکر کرده است: «خدایا نگهدار مردان دین / برانداز کافر ز روی زمین». (جنگنامه...، ۱۳۸۴: ۱۱). سراینده جرون‌نامه نیز از اعزام نیروهای ایرانی به هرموز با عنوان «رفتن لشکر اسلام به سر هرمز» یاد نموده است (همان، ۹۴). در نبرد مقدماتی که بین نیروهای ایرانی و پرتغالی در راه تسخیر هرموز رخ داد، ایرانیان موفق شدند تعدادی کشتی دشمن را به آتش کشند، «قدری» استعمارگران پرتغالی که به بلاد مسلمانان تجاوز نمودند را کافر قلمداد می‌کند:

از ایشان سه کشتی چو کوه گران گرفتند اسلامیان در میان
به اسلامیان فرصتی دست داد که آتش به کشتی کفار فتاد

(همان، ۹۵)

۲. شناساندن چهره استعمارگران

از مهم‌ترین مباحث و شاخصه‌های ادبیات پایداری، پرداختن به مقوله ظلم‌ستیزی است. به یقین آنچه باعث ایجاد ادبیات تحت عنوان ادبیات پایداری گردیده است، ظلم و ستمی بوده که از سوی صاحبان نابحق قدرت، بر زیردستان اعمال می‌شده است. ظلم و ستم با فطرت انسان‌ها سازگاری ندارد و در نظر همگان امری ناپسند است؛ به طوری که حتی ظالمان سعی بر موجه جلوه دادن ستم‌های خود دارند و کوشش می‌نمایند تا خود را از واژه ظالم مبرا سازند. قرآن مجید در آیات فراوانی انسان‌ها را از ظلم و ستم بر حذر داشته و به ظالمان وعده عذاب‌های دردآور را می‌دهد: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ﴾ (زخرف: ۶۵). شاعران متعهد مسلمان که تعالیم قرآنی بر اندیشه و افکار آن‌ها سیطره دارد، ظلم را نکوهش و ظالم را مورد انتظار قرار می‌دهند.

بی‌تردید یکی از پیامدهای تهاجم و حضور استعمارگران پرتغالی در سواحل جنوبی ایران، قتل‌و‌عام‌های شدید، ظلم، تعدی و خشونت بی‌حد و حصر پرتغالی‌ها بر ساکنان، دریانوردان و تجار محلی و بومی منطقه است که صورت می‌گرفت، سرایندگان دو منظومه

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگ‌نامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۵۹

یادشده را بر آن داشت تا در اشعار خویش با معرفی چهره واقعی و اوصاف راستین این زورگویان، آنان را به مخاطبان خویش بشناساند. «قدری»، از پرتغالی‌ها به عناوین مکار بی‌اعتبار، شیطان صفت، پیمان‌شکن و دورو در دین و مذهب یاد می‌کند:

فرنگان مکار و بی‌اعتبار چنین داده بودند با خود قرار
درستی مَجو از گروه فرنگ که هستند در دین و مذهب دو رنگ

(همان، ۱۳۳)

«قدری» زَنار و صلیب که نشان مسیحیان پرتغالی است را نمادی از شیطان توصیف می‌کند:

رواجی که شیطان به زَنار داد برای دل و دین کُفار داد
صلیبی که در گردن افکنده‌اند چو شیطان لعینند تا زنده‌اند

(همان، ۸۸)

سراینده جُرون‌نامه به چنین ابیاتی اکتفا نکرده، بلکه در برخی اشعار کوبنده خود حتی استعمارگران را با زبانی گزنده و نیش‌دار به باد ناسزا می‌گیرد:

ز بد ذاتی آن سگان لعین که نا پاک بودند و نا پاک دین

(همان، ۱۰۰)

و در جای دیگر پرتغالی‌ها را به عنقا، مار و عقرب تشبیه می‌کند که در ادبیات داستانی، مار و عقرب نماد حق‌شناسی و دارا بودن خوی تجاوزگری آنها است. «قدری» بر این باور است حال که فرصت فراهم شده باید به شدت با پرتغالی‌ها برخورد کرد:

کسی را که بر کُفر باشد یقین چو عقرب گره باشدش بر جبین
سر مار را تا توانی بکوب که بر بد گهر مردمی نیست خوب

(همان، ۸۸ - ۸۹)

۳. استفاده از مضامین مذهبی در راه مبارزه با استعمار

الف) غیرت دینی علیه استعمار

یکی از مضامین مهم اشعار سرایندگان یاد شده را باید توجه به مذهب شیعه علیه استعمار دانست. میزان اثرگذاری این مقوله را از نظر وسعت و شدت تأثیر، می‌توان همپای غیرت ملی و بلکه فراتر از آن دانست. در منظومه جُرون‌نامه، شاعر با یاد کردن از نام بزرگان، ائمه و قهرمانان دینی و اعمال ستودنی آن‌ها، از آنان می‌خواهد به ملت ایران و اسلام یاری رساند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

ب) انتساب صفویان به حضرت علی^(ع)

با توجه به تشکیل دولت صفوی در فلات ایران، خاستگاه ایرانی خاندان صفوی و تکیه این دولت بر عنصر اسلام شیعی و انتساب خود به نوادگان حضرت رسول اکرم^(ص) و احیاء دوباره سرزمین ایران به عنوان یک موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی بر میراث باستانی مرزهای ایران پیش از اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است. «قدری» با توجه به سیادت خاندان صفویه و انتساب آنان به حضرت علی^(ع) در اشعار خود به آن پرداخته است. به‌عنوان مثال وی در بیت ذیل، سلطان عالم‌مدار که منظور شاه‌عباس اول، حاکم وقت صفویه را از نسل حضرت امیر^(ع) برمی‌شمارد:

به اقبال سلطان عالم مدار	که جدش بود صاحب ذوالفقار
در آن بحر هنگامه دریادلی	که در اصل بودی ز نسل علی

(همان، ۱۰۳)

ج) بهره‌گیری از شجاعت، عدل و سخاوت حضرت امیر^(ع)

در این راستا رویکردهای شاعر به مضامین مذهبی در راه مبارزه با استعمار، می‌توان به بهره‌گیری از جان‌فشانی حضرت امیر^(ع) که در اسلام نماد شجاعت و دلاوری در مقابل ظالم و زورگویان است اشاره کرد. سراینده جُرون‌نامه عملکرد سپاه ایران در فتح قلعه پرتغالی‌ها در قشم را به گشایش قلعه خیبر یهودیان به وسیله امام علی^(ع)، تشبیه می‌کند؛ زیرا «قدری» بر این باور است از آنجا که سپاه ایرانی مهر و عشق حضرت امیر^(ع) را با خود به همراه دارند، موفق به فتح قلعه پرتغالی‌ها می‌شوند، و گر نه اسکندر نیز در فتح قلعه یاد شده عاجز خواهد ماند:

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگ‌نامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۶۱

درین روی عمان چنین خیبری نگیرد کسی غیر اسکندری
سیکندر در آن نیز چو عاجز چو ماست مگر شاه مردان که خیر گشاست
کسی را که مهر علی در دل است به او کی چنین کارها مشکل است
(همان، ۱۰۳)

د) الگو قراردادن حماسه امام حسین^(ع) و مکتب کربلا پس از رخداد حماسی سیدالشهدا^(ع) در کربلا، اسلام جانی تازه یافت و کربلا و عاشورا مکتبی شد که همیشه از شریعت مقدس اسلام صیانت می‌کند. بدون تردید ره‌آورد حماسه بی‌بدیل کربلا بسان خون‌های پاک شهیدانش تا پایان تاریخ در حال جوش و خروش است. درهمین راستا «قدری» با بهره‌گیری از مضامین شیعی، جزیره‌هرموز را به کربلا تشبیه می‌کند و بر این باور است، سپاه ایران که علیه استعمارگران پرتغالی به نبرد برخاسته، ریشه در قیام کربلا دارد و محرک اصلی آن حضرت سیدالشهدا^(ع) بوده است. در ضمن «قدری» در اشعار خود، هرموز را به کربلا، و آمادگی سپاه ایران برای شهادت، به فداکاری یاران امام حسین^(ع) تشبیه می‌کند.

به خون ریختن چون تو را مدعاست حکایات هر رمز چون کربلاست
ثواب غزوات اگر از شماست سرانجام ما چون شه کربلاست
(همان، ۱۴۹)

۴. حب وطن و وطن‌خواهی

حب وطن و وطن‌خواهی در اندیشه مسلمانان، ریشه در احادیث نبوی همچون «حُبّ الوطن من الایمان» دارد. از مفهوم وطن تعبیر مختلفی ارائه شده است. عده‌ای آن را محدوده جغرافیایی می‌دانند که در آن متولد شده‌اند و کسانی را که در این محدوده مشخص زندگی می‌نمایند، هم‌وطن می‌خوانند. این تعریف از وطن، نزد بسیاری از شعرا و نویسندگان رایج است. از مشهورترین افرادی که معتقد به این گونه تعریف از وطن هستند می‌توان به حکیم ابوالقاسم فردوسی اشاره نمود. سراینده جُرون‌نامه براساس وطن دوستی در ابیاتی جزیره‌هرموز را در میان تمام جزایر گیتی بی‌مانند می‌داند و قلعه آن را نیز از لحاظ محکمی و عظمت، استوارتر از دیوار چین و نمونه‌ای شبیه سد سکندر معرفی می‌کند:

که آن قبله گاهست هرگز را	به حق قدمگاه شیر خدا
به مانند هر موز که آباد کرد	نخستین عمارت که بنیاد کرد
که بودی به خوبی به از ملک چین	بنا کرد حصنی در آن سرزمین

(همان، ۶۳)

۵. تفاخر به شاهان و اسطوره‌های آرمانی ایران

مجموعه میراثی که در قالب روایات ملی، اساطیر دینی، سرگذشت پهلوانان، شرح لشکرکشی‌ها، جنگ‌نامه‌ها، مبارزات و مدافعات، هنرنمایی‌ها، اعمال پادشاهان و امیران منتقل شده و به زمان حال رسیده‌اند، داستان‌ها و روایاتی هستند که اساس آنها تاریخ، شکل آنها داستان و روش آنها اساطیری‌اند که بخش اعظم ادبیات، فرهنگ و هنر ایرانیان رابه خود اختصاص داده و نقش برجسته‌ای در تمایز ایرانیان از غیر ایرانیان ایفا کرده‌است (معینی علمداری، ۱۳۸۶: ۲۵ - ۵۲).

تفاخر به شاهان و پهلوانان نامی و اسطوره‌ای و آرمانی ایران مانند کیقباد، انوشیروان، جمشید و نیز ذکر مجد و عظمت ایران و مقایسه عملکرد سپاه قزلباش صفوی با آنان نیز از دیگر اقدامات « قدری» در راستای ارج نهادن بر هویت ایرانی و عملکرد شکوهمند نیروهای ایرانی است:

چو داستان تو آمد آندرمیان	نخواند کسی داستان کیان
در آداب دین داری و عدل و داد	غلام غلامش بود کیقباد
چو خان رسم جمشید را تازه کرد	جهان را به همت پُر آوازه کرد

(جنگ‌نامه...، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

شاعر عملکرد سپاه ایران در بازپس‌گیری هر موز را از داستان کیانیان شکوهمندتر ذکر می‌کند و در ضمن امام‌قلی‌خان را در آداب دین‌داری و سخاوتمندی به مراتب در سطح افزونتری نسبت به کیقباد، پادشاه اسطوره‌ای ایران زمین می‌داند.

۶. پرتغالی‌ها به مثابه دشمنان و چهره‌های منفور باستانی

سیمای افراسیاب در آثار اساطیری و تاریخی مقرون به شر و بدی است. در شاهنامه فردوسی، افراسیاب، شرانگیزترین شخصیت انیرانی است که گسترده‌ترین جنگ علیه ایران را به راه می‌اندازد. وی نماینده دشمنی با ایران و آمیخته با شر و فساد است. در

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۶۳

مجموع در متون پارسی، افراسیاب «سَمبلی از دیو کرداری» دانسته شده است. از این رو، سراینده جُرون‌نامه، پرتغالی‌ها را به افراسیاب زمان تشبیه می‌کند و از آنان انزجار می‌جوید:

به مانند افراسیاب زمان به نقب اندرون شد گذارا چنان

(همان، ۱۳۳)

۷. اتحاد و همبستگی و شرکت گروه‌های مختلف ایرانی

کاکایی در کتاب بررسی تطبیقی موضوعات پایداری، شعر پایداری را محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌هایی از تجاوز می‌داند. ادبیات پایداری در معنای جنگ با بیگانه، بازتاب روحی- روانی نسلی است، ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی و مشارکت و مباشرت آن نسل در همدلی و همراهی یکدیگر (کاکایی، ۱۳۸۵: ۹). در جغرافیای تاریخی ایران، همواره مردمی از اقوام گوناگون زندگی کرده‌اند و این مردم نقش اساسی در نگرانی از ایران و شکوفایی فرهنگ و تمدن آن داشته‌اند. در روند تهاجم علیه پرتغالی‌ها از آنجا که تسخیر قلعه آنان در هرموز به راحتی میسر نبود، یکی از سرداران ایرانی به نام «شاهقلی بیگ» تقاضای نیروی کمکی کرد. امام‌قلی خان جهت مدد به شاهقلی بیگ نیرویی کمکی از نظامیان بحرین، شوشتر، دورق، گلپایگان، محلات، ممسنی، اکراد، ترکمانان و... به فرماندهی یکی از سرداران خود به نام «امام‌قلی بیگ» به قشم اعزام نمود (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۸۰-۹۷۹). در همین راستا سراینده جُرون‌نامه نیز در اشعار خود سعی دارد، حضور گروه‌ها و اقوام مختلف ایرانی که نمونه‌ای از پیوند استوار مردم ایران زمین است، شرح دهد:

به اطراف بحرین و اعرابیان	رقم شد به احکام عالی روان
دگر جانب دورق شوشتر	روان گشت قاصد ز میر خبر
دگر در محلات و جربادقان	که هستند مردانشان پهلوان
هم از غازیان موجب ستان	ز آوار و کُرد و از تُرکمان

(جنگنامه...، ۱۳۸۴: ۵۱)

۸. شجاعت و دلاوری رزمندگان

جنگ اگر چه فی نفسه دارای ارزش نیست، اما باعث به وجود آمدن ارزش‌هایی مانند شجاعت، فداکاری و ایثار در اجتماع و جامعه خود می‌شود. در حین جنگ، رشادت‌هایی از رزمندگان مشاهده می‌شود که در هیچ برهه از تاریخ پیدا نمی‌شود. شعر پایداری، وظیفه حفظ این ارزش‌ها و هنجارهای دوران جنگ را بر عهده دارد. شاعران با بیان فداکاری‌ها و حماسه‌آفرینی‌های سربازان میادین نبرد و یادکرد مصیبت‌های آنان برای صیانت از ارزش‌ها و حفظ آرمان و اهداف جنگ تلاش می‌کنند. رزمندگان ایران در نبرد با متجاوزان پرتغالی، در میدان نبرد حضوری فعال پیدا کرده و سرایندگان نیز در سروده‌هایشان به تصویرپردازی از ایثار و رشادت سپاهیان قزلباش پرداخته‌اند. با جمع شدن نیروهای تحت فرمان شاه‌قلی، نبردهای ایرانیان برای به دست گرفتن قشم آغاز می‌شود (ترکمان، همان: ۹۸۲) که سراینده جنگنامه جزئیات این نبردها را به دقت بازگو کرده است. مؤلف جنگنامه کِشم نام تعدادی از سپاهیان ایرانی را که از طوایف مختلف بودند ذکر کرده و شرح رشادت‌های آنان از جمله «بیرم‌بیگ»، «حسین صفر»، «شیخ موسی» و «عمادعرب» را در نبرد با پرتغالی‌ها اینگونه به تصویر می‌کشد:

پس آنکه «بیرم‌بیگ» از روی درد	به سوی مخالف یکی حمله کرد
میان سپاه مخالف دوید	از ایشان بسی را زتن، سر برید
به میدان مردی درآمد دلیر	بغرید ماننده نرّه شیر
«حسین صفر» نامی از کوتوال	روان شد ز سیبه چو باد شمال
ز ترسش فرنگان گریزان شدند	به قلعه برفتند و پنهان شدند
بکردند زخمی «میرعماد عرب»	دل شاه ایران بشد پر طرب
جوانی دگر «شیخ موسی» بنام	بدی نزد نواب با احترام

(جنگنامه...، ۱۳۸۴: ۷-۸)

نبردی که بر سر تصرف شهر هرموز بین ایرانیان و پرتغالی‌ها در گرفت با پیروزی ایرانیان همراه گشت؛ که این پیروزی در سایه نیروی شجاعت و جسارت آنان به دست آمد، نه به جهت برتری در نیروی نظامی؛ چرا که به گفته «قدری» ایرانیان مهارتی در به کارگیری سلاح‌های جدید یعنی توپ و تفنگ نداشته‌اند:

قزلباش دریادل شیر جنگ نه بر توپ استاد و نه بر تفنگ

مضامین و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه | ۱۶۵

کشیدند در کله تکبیر سر دویدند چون شیر بر یکدیگر

(همان، ۹۸)

بر این اساس سراینندگان دو منظومه نیز در سرتاسر اشعار خود می‌کوشند دلآوری، شجاعت و رشادت رزمندگان ایرانی که در حقیقت، نمود فرهنگ قدرانی از مجاهدت در شعر پایداری است، شرح دهند.

۹. ابراز خوشحالی از پیروزی بر دشمن

با فتح قلعهٔ هرموز مهم‌ترین پایگاه نظامی پرتغال در صفحات شمالی خلیج فارس پس از یک سده به دست ایرانیان می‌افتد و کشاکش بین ایرانیان و پرتغالی‌ها بر سر کنترل خلیج-فارس با پیروزی قاطع نیروهای ایرانی به پایان می‌رسد. سرانجام آرزوی «قدری» برآورده و لشکر اسلام در این نبرد پیروز شد، شاعر پس از پیروزی سپاه امام‌قلی‌خان بر پرتغالی‌ها ابراز خوشحالی می‌کند:

سَر دشمن شاه حیدرنژاد لگدکوب اسب قزلباش باد

همیشه سپاه مظفرعنان چه از شاه دین و چه از میر و خان

با تسلیم قلعه و پایان عملیات جنگی و به دست گرفتن کنترل جزیرهٔ هرموز، امام‌قلی‌خان بلافاصله، به اعزام نماینده‌ای به قندهار، خبر فتح و پیروزی ایرانیان را بر نیروهای پرتغالی به اطلاع شاه عباس اول می‌رساند:

عیان شد به سلطان دنیا و دین که هرمزش آمد به زیر نگین

(همان، ۱۵۳-۱۵۴)

بدین ترتیب پیمان آتش‌بس به وسیله نمایندگان طرفین امضا شد و در ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۰۳۱ هجری، پرتغالی‌های مستقر در هرموز تسلیم گردیدند و پرچم پرتغالی‌ها پس از ۱۱۷ سال از فراز قلعه‌ای که آلبوکرک به اهتزاز درآورده بود، فرود آمد.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته شد، سراینندگان جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه سعی دارند، جامعه‌ای را به تصویر بکشند که مورد ظلم و ستم واقع شده و به جبهه متجاوز نگاهی بدبینانه و منفی دارد و روح سلحشوری و ایستادگی در برابر دشمن را بر می‌انگیزد، اگرچه به مهاجم نیز

آسیب وارد می‌شود، اما این آسیب را از نوع خود خواسته و نتیجه طبیعی دفاع در مقابل تجاوز آن‌ها می‌داند. جلوه‌ها و بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در اشعار سرایندگان ذکر شده عبارتند از: وطن دوستی، شناساندن چهره استعمارگران، نفرت از بیگانگان، غیرت دینی، عدالت طلبی و ظلم‌ستیزی، مرثیه بر شهدای راه آزادی، تفاخر به شاهان و اسطوره‌های آرمانی ایران، اتحاد و همبستگی، امیدواری به افق‌های روشن و ابراز خوشحالی از پیروزی بر دشمن.

سرایندگان جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه برای بیان این مضامین، از دو نوع بیان استفاده کردند: ۱- بیان مستقیم؛ ۲- بیان غیر مستقیم. بیان غیرمستقیم سرایندگان به دو دسته قابل تقسیم است:

الف) داستان‌ها و حکایات تمثیلی و استفاده از نام پهلوانان و جوانمردان اسطوره‌ای و تاریخی ایران، به ویژه قهرمانانی که خصیصه نیکنامی دارند؛ از قبیل: کی‌قباد، جمشید، انوشیروان، رستم و غیره است که از برجستگی‌های جنگنامه کِشم و جُرون-نامه است. علاوه بر این بهره‌گیری از مضامین دینی به ویژه شیعی، از جمله شجاعت و دلاوری حضرت امیر(ع)، قیام و مکتب امام حسین(ع) و کربلا به‌گونه‌ای که رکنی از ارکان شعری دو منظومه به شمار می‌آید.

ب) استفاده از سمبل‌ها و استعارات منفرد برای جایگزینی نام‌های پرتغالی‌ها، چون سگان‌لعین، ناپاک‌دین، اهریمن، مرتد نابکار، فرنگان مکار بی‌اعتبار، افراسیاب زمان. در ضمن آنان برای عامه فهم‌شدن اشعار، از زبان عامیانه‌ای استفاده کرده‌اند که در برخی ابیات لحن و فضای حاکم بر اشعار ذکر شده آمیخته از حماسه، طنز، هجو و اعتراض نسبت به استعمارگران پرتغالی است.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن مجید
- اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (۱۳۸۲). ترجمه مهدی زنجانی. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۳). مجله یادگار. «بخش سوم از ماجرای خلیج فارس». سال چهارم. شماره ۴.
- بصیری، محمد صادق (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. ج ۱. از آغاز تا عصر پهلوی. کرمان انتشارات دانشگاه کرمان.
- پانیکار، ک. م (۱۳۴۹). آسیا و استیلای باختر. ترجمه محمدعلی مهمید. تهران: روز.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹). سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). عالم آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جنگنامه کِشم و جُرون‌نامه (۱۳۸۴). تصحیح محمدباقر وثوقی و عبدالرسول خیراندیش. تهران: میراث‌مکتوب.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. تصحیح منصور رستگارفسائی. تهران: امیرکبیر.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: نشر پالیزان.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین.
- شکری، غالی (۱۳۶۶). ادب مقاومت. ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). حماسه‌سرایی در ایران. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲). سیاست خارجی ایران در دوره صفویه. تهران: سازمان کتابهای جیبی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (بی‌تا). مسأله هرموز در روابط ایران و پرتغال. تهران: چاپخانه ارتش.
- قربان نژاد، پریسا (۱۳۸۸). «فتح‌نامه نویسی در ایران و اسلام». فصلنامه فرهنگ. شماره ۷۱. پاییز. صص ۱۷۹-۲۱۶.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: انتشارات پالیزان.
- کامرانی‌فر، احمد (۱۳۹۰). «آزاد سازی کِشم». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۵. صص ۴۳-۵۰.

- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۶). هویت، تاریخ و روایت در ایران. ایران. چاپ دوم. به کوشش حمید احمدی. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان نویسی. فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی. تهران: انتشارات مهناز.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷). «روایتی نو و منتشر نشده از فتح هرموز در دوره شاه عباس اول» (بررسی و ارزیابی منابع تاریخی نبرد دریایی ایران و پرتغال). فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س) دوره ۱۸، شماره ۷۱، بهار، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- Lorimer, John Gordon (1908-1915). *Gazetter of the Persian Gulf, Oman and central Arabia*. (2 vols). Calcutta: superintendent of Government Printing.
- Sousa. Manuel de faria (1695). *The Portuguese Asia*, Vol 3. Tr. John Stevenes. London.
- Teixeira, Pedro (1901). *The Travels of Pedro teixiera translated by william Sinchair*. London.